

## بوستان سعدی به تصحیح علی اف

- ۲ -

نمونه دیگر - در باب هشتم در ص ۲۲۹ سطر ۸ چنین می خوانیم :

که از حق به توفیق خیری رسد      کی از بنده چیزی به غیر ی رسد (۱)

این شعر بدین صورت سست است و از سعدی شعر سست در بوستان به دلیلی که بعداً گفته خواهد شد بید می نماید . . . . . (۲)

از تمام این نمونه‌ها چنین برمی آید که کاتب نسخه دوشنبه بهنگام استنساخ واژه‌هایی را که شباهت ظاهری بهم داشته‌اند بیکدیگر در آمیخته و فراخور معلومات خود کلمات را نقاشی می نموده است و در این کار یا تمویض کلماتی نظیر خیری به چیزی گاه شعر معنی خود را بکلی از دست داده و گاه با تمویض جهد به حمد یا عکار به مکان معنی شعر تغییر کلی می یافته و ترکیب یا وای از آب درمی آمده است . دهها نمونه ( طبق یادداشتی که کرده‌ام ) می توان آورد که ناشر محترم نه فقط ضبط دو نسخه اصلی چ و پ بلکه نسخه های معتبر دیگر را نادیده گرفته و فقط ضبط نسخه ۵ را پذیرفته و در نتیجه سخن سعدی دستخوش غرابت و ناهنجاری و نارسائی شده ، بدون روش علمی معین حاشیه جای متن را گرفته و اصول ثابتی در مقابله نسخ از ناحیه ناشر محترم اتخاذ نشده است . با این وصف ای کاش ( درست یا نادرست ) ایشان نسبت به نسخه ۵ تا آخر وفادار می ماندند و نقل متن نسخه ۵ را ادامه می دادند . متأسفانه ناشر محترم در برخی مواضع بدون هیچ دلیلی از متن نسخه ۵ نیز صرف نظر کرده و ضبط صحیح آن را بدلخواه تغییر داده اند .

مثلا در صفحه ۳۲ سطر ۱۶ چنین می خوانیم .

یکی از بزرگان اهل تمیز      حکایت کند زابن عبدالعزیز

که بودش نگینی در انگشتری      فرومانده از قیمتش مشتری

به حاشیه که مراجعه می کنیم می بینیم تحت شماره ۱۳ چنین آمده است : ( ۱۳ ) د -

گوهری ف - ع - جوهری به این معنی که در نسخه ۵ این بیت چنین ضبط بوده است :

۱ - این بیت بکلی غلط است . وجه صحیح این است :

گر از حق نه توفیق خیری رسد      کی از بنده خیری به غیر ی رسد

در نسخه فروغی در مصراع دوم « چیزی » در متن است و « خیری » در حاشیه ، و کاش

توجهی بیش و جای متن و حاشیه را عوض می کردیم .

۲ - فصلی در اشتباهات کاتب نسخه دوشنبه حذف شد . چون زیاد است . ( مجله ینما )

که بودش نکینی در انگشتری فرومانده از قیمتش گوهری

اتفاقاً ضبط نسخه د برازنده تر و در معنی وافی تر است و حاجتی به تغییر متن نسخه د نبوده. پیداست که بهای گوهر را فقط خبرگان تعیین می کنند و این خبره مشتری و خریدار نیست بلکه جواهرشناس و جواهر فروش است. و گوهری به معنی گوهر فروش و جواهری است. (دیوان کبیر چاپ فروزانفر ص ۴۱۷). چه خوب گفته است شاعر: قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری، و نیز مولوی راست:

بدان دریا دلی کز جوش و نوش بدست آورد گوهر گوهری را

(جلد ۱ ب ۱۱۷۸ چاپ فروزانفر) - متن فروغی نیز چنین است: فرومانده از قیمتش

جوهری. بنابراین کلمه گوهری که در نسخه د (و بوستان فروغی) آمده صحیح و برازنده معنی بیت است و ایشان که بارها در اصالت متن نسخه د تمصب بخرج داده اند می بایست از لحاظ رعایت امانت هم که شده ضبط نسخه د را در متن جا دهند زیرا کلمه گوهری نه فقط مخمل معنی شعر نیست بلکه به معنی بیت عمق و جلای خاص می دهد.

در این باره مثال زیاد است و فقط بذکر همین يك مورد اکتفا رفت. منظور اینست که ناشر محترم هر جا که خواسته نسخه د را بر نسخ نفیس قدیمی چ و پ مرجع شمرده و هر جا دلشان خواست متن نسخه د را در خور توجه و التفات ندانسته. یعنی از يك روش ثابت علمی پیروی نفرموده اند.

\*\*\*

ذکر نکته ای در اینجا ضروری است و آن اینکه در میان شاهکارهای ادبی ایران مانند شاهنامه فردوسی - دیوان حافظ - مثنوی مولوی - رباعیات خیام - گلستان سعدی و غیره؛ بوستان سعدی یگانه اثر منظومی است که در بلاغت یکدست است. سعدی در بوستان، چنانکه بر شمرده ام، در حدود بیست بار سخن بلیغ خود را می ستاید و به حق می ستاید و این سوای موارد بسیاری است که سعدی چابجا فصاحت و سخته گوئی را تبلیغ می کند از این جهت وقتی که سخن سست و مبتذل و ناهنجاری را در بوستان می بینیم حق داریم بر روی آن درنگ کنیم. اعتماد و تمصب ناچجا در مورد يك نسخه یا يك کاتب معین که اشتباهات مقدماتی و عامیانه کرده دور از انصاف و وجدان يك محقق منصف است.

سعدی پس از نظم بوستان، چند بار آن را مرور کرد و غث و ثمین کلام خود را سنجیده و بهترین وجه را برای سخن خود برگزیده. از این جهت وظیفه مصحح است که بيك نسخه معین دل نبازد. اختلافات نسخه ها در بوستان بر دو گونه است. یکی اختلاف نسخه د با نسخ متأخر که در این مورد باید جانب نسخه د را گرفت. دوم اختلاف نسخه با نسخ قدیمی و معتبر چ و پ که ناشر محترم آنها را به عنوان نسخ اصلی و اساسی معرفی کرده اند. در این اختلاف نوع دوم نمی توان ناظر دست بسته بود و نباید تمصب بخرج داد و باید صحیح ترین ضبطها را در متن گذاشت و این صحیح ترین متن، باز هم تکرار می کنیم باید بر دو پایه متکی باشد: اول بر پایه قدیم ترین نسخ معتبر (یعنی د - چ - پ) اگر بین این سه نسخه اتفاق کلمه موجود بود چه بهتر والا در صورت اختلاف ضبط

چ و پ را باید بر نسخه ۵ مقدم شمرد - زیرا کاتب نسخه ۵ مرتکب چنان خطاهای زننده‌یی شده است که تکیه اصلی به آن خطاست و اینکه ناشر محترم نسخه ۵ را به تنهایی به عنوان نسخه اصلی برنگزیدند لابد این احوال را احساس فرموده بودند . دوم آنکه متن باید با سبک و زبان شاعر تطبیق کند . (۱)

\*\*\*

**قلب و تحریف سخنان فروغی :** ناشر محترم با کمال تأسف در مورد شخص ارجمند محمد علی فروغی و بوستان چاپ او در موارد متعدد به قلب و تحریف حقایق پرداخته‌اند . در مقدمه کتاب صفحه ۱۷ ناشر محترم پس از نقل عبارات مرحوم فروغی از خود چنین می‌افزاید: «چنانکه از توصیحات استاد فقید برمی‌آید ذوق و سلیقه شخص ایشان در تصحیح کتاب **مداخله تام** داشته است .» - از توضیحات مرحوم فروغی و از روش کار او به هیچ وجه استنباط نمی‌شود که ذوق و سلیقه مرحوم فروغی در تصحیح بوستان «مداخله تام» داشته است . زیرا آن دانشمند فقید خود حدود آن مداخله را تعیین کرده است . آنجا که می‌نویسد : ... در نسخه‌های کهنه موجود آنچه را با ذوق خود موافق‌تر یافتیم متن قرار دادیم و باقی را نسخه بدل کردیم جز در جاهائی که مورد اتفاق با اکثریت نسخه‌های کهنه معتبر بود که در آن موارد ذوق خود را حکم نساخته از آن نسخه‌ها کاملاً متابعت نمودیم ... مقدمه بوستان چاپ دکتر علی‌اف ص ۱۷ ... از همین عبارت و از شیوه تصحیح بوستان فروغی بر می‌آید که مداخله ذوق آن فقید در تصحیح کتاب محدود بوده است نه تام . موارد چندی را نشان دادیم که ناشر محترم در تصحیح بوستان حاضر از میان سه نسخه اصلی د ، ج ، پ که اساس کار ایشان است هر جا که خواسته‌اند بی‌موجبی نسخه ۵ را بر دو نسخه ج و پ مرجح شمرده‌اند و هر جا که خواسته‌اند از ضبط نسخه ۵ بدون دلیل چشم پوشیده‌اند . آیا نمی‌توان این روش را تلقین سلیقه شخص ایشان دانست؟ هیچ محقق دانشمندی را نمی‌توان یافت که در تصحیح متون قدیم خاصه در زبان مادری خود مجموع معلومات و سنن ادبی و حسن تشخیص و ذوق سلیم خود را نادیده بگیرد . چه خوب نوشته است استاد حبیب یغمائی در باره تصحیح کتب منظوم ادبی :

« تلخیص و تصحیح و انتخاب اشعار داستانی منظوم از کارهای ظریف و دشوار ادبی است زیرا در این فن دقیق ذوق و سلیقه و طبع سلیم و نیروی تشخیص و تبحر در شعر و ادب فارسی و فضائلی دیگر از این گونه می‌باید و اخلاص و حسن نیت نیز .

۱- در اینجا نویسنده محترم چند صفحه در اشتباهات کتابتی نسخه دوشبه نوشته است که نقل آن مجال بی‌ش می‌خواهد . مثلاً: بجای شهیدم که جشنی ملوکانه ساخت ... ملوکانه داشت . که قافیه اش غلط است و بجای :

ندانی که سعدی مراد از چه یافت      نه هامون نوشت و نه دریا شکافت  
نوشته شده ندریا گذاشت «که قافیه اش غلط است و از اینگونه اغلاط فاحش بل فاحش. (مجله یغما)

رعایت چند نکته دقیق از اهم شرایط است :

متون مختلقه در پیش چشم باشد ، و اصیل‌ترین و دقیق‌ترین آنها انتخاب شود ، و اگر نسخه‌هایی از حیث صحت و قدمت و اعتبار همانند باشند بمدد ذوق سلیم و مطالعه و مقایسه و تمرین کلمات و ترکیباتی که به روش و زبان شاعر نزدیکتر می‌نماید انتخاب شود ... ( مجلهٔ یفما - شماره ۱۱ - سال بیستم ص ۶۱۰ ) .

تمام این فضایل را مرحوم محمد علی فروغی که وارث برازندهٔ ادب فارسی و مظهر ذوق و قریحه تمام عیار ایرانی بوده است واجد بود و آنچه بر فروغی، رواست بر دیگران که ادب مادری آنها نیست خطاست ....

ناشر محترم پس از اظهار نظر دربارهٔ این که ذوق و سلیقهٔ فروغی در تصحیح بوستان هداخلةٔ تام داشته است چنین ادامه می‌دهد: برای روشن کردن این اظهار نظر با چند مثال اکتفا می‌کنیم : تمام نسخه‌های قدیم بیت‌های زیر را بدین شکل می‌آورند . . . ( ایشان در اینجا چندین بیت را بمنوان شاهد و مثال از نسخه‌های قدیمی ذکر می‌کنند و سپس چنین می‌نویسد ) : « این ابیات بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است . . . ناشر محترم سپس عین آن ابیات را که گویا در تمام نسخه‌های قدیم به وجه صحیح آمده با معادل آنها در چاپ بوستان فروغی مقایسه می‌کند تا اثبات کند که در چاپ بوستان حاضر کلمه‌ها و اصطلاحاتی آمده که هم از لحاظ قدمت و صحت و هم از حیث منطق و معنی و سبک قدیم درست و صحیحند و هیچکدام از آنها در چاپ استاد محمد علی فروغی قید نشده است . ( ص ۲۸ پیشگفتار )

با ذکر چند مثال موضوع را واضح‌تر شرح می‌دهیم . ناشر محترم می‌نویسد که مثلاً در تمام نسخه‌های قدیم که اساس تصحیح ایشان بوده بیت زیر بدین شکل آمده است ( به طریق اولی در چاپ بوستان حاضر ) .

بهمت بر آرزو سزینده شور که بازوی همت به ازدست زور

بعد - این بیت بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است - پیشگفتار ص ۲۷ :

بهمت بر آرزو سزینده شور که بازوی همت به ازدست شور (\*)

( کدافی‌المتن ) ( شعر فاقد قافیه و غلط است )

حالا ببینیم این بیت در بوستان چاپ دکتر علی‌اف چگونه آمده و در بوستان چاپ فروغی چگونه ضبط شده است . بوستان چاپ دکتر علی‌اف را ورق می‌زنیم . در ص ۳۸ سطر اول بیت عیناً چنین آمده است :

بهمت بر آرزو سزینده شور که بازوی همت به ازدست زور

\* - ای دروغگوی بی‌انصاف ! ( مجلهٔ یفما )

ملاحظه فرمائید که ضبط این بیت در بوستان چاپ دکتر علی اف و بوستان چاپ فروغی یکسان است و صحبت در باره تمام نسخه‌های قدیمی بی‌اساس است با این تفاوت که ایشان بیت چاپ فروغی را در صفحه ۲۷ مقدمه غلط وارد کرده‌اند !

مثال دیگر. ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم (\*) بیت زیر را بدین شکل

می‌آورند: شنیدم که لقمان سیه پام بود      نه تن پرور و نازک اندام بود

سپس اضافه می‌کنند: این بیت، بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های

قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین

آمده است: شنیدم که لقمان سیه فام بود      نه تن پرور و نازک اندام بود

به متن‌ها مراجعه کنیم: در ص ۱۵۴ سطر ۱۵ بوستان چاپ دکتر علی اف این بیت

چنین است: شنیدم که لقمان سیه پام بود      نه تن پرور و نازک اندام بود

در حاشیه با قید شماره ۲۰ چنین آمده است: ( ۲۰ ) چ - ل - پا - ف - ع - سیه فام.

به عبارت دیگر نه فقط تمام نسخه‌های قدیم چنانکه ناشر محترم مدعی هستند پام ضبط

نکرده‌اند بلکه حتی همین نسخه دوشنبه در جای دیگر در همین بوستان حاضر فام آورده

است. بدین ترتیب:

به دیباچه بر اشک یا قوت فام      به حسرت بیارید و گفت‌ای همام

مثال دیگر. ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم بیت زیر را بدین شکل

می‌آورند: گروهی بماندند مسکین و ریش      پس چرخه شستن گرفتند پیش

بعد اضافه می‌کنند... این بیت، بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های

قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین

آمده است: گروهی بماندند مسکین و ریش      پس چرخه نفرین گرفتند پیش

به متن‌ها مراجعه کنیم: در ص ۳۶ سطر ۱۴ بوستان چاپ علی اف این بیت چنین

آمده است: گروهی بماندند مسکین و ریش      پس چرخه شستن گرفتند پیش

با قید شماره ۱۶ در حاشیه چنین آمده است: ( ۱۷ ) پ - ل - پا - ف - ع - نفرین.

به عبارت دیگر ضبط چاپ فروغی مطابق است با ضبط اکثر نسخه‌های قدیمی که در دسترس

ناشر بوده است. حتی مطابق است با ضبط همین نسخه دوشنبه. زیرا نسخه ۵ همین مضمون

را ( که ناشر محترم بدان التفات نرموده‌اند ) در ص ۵۶ سطر ۵ چنین آورده است:

چه سود آفرین بر سر انجمن      پس چرخه فقرین کنان پیر زن

آیا سزاوار است گفته شود که تمام نسخه‌های قدیم چنان ضبط کرده‌اند و فقط

بوستان فروغی چنین ضبط کرده است...؟

مثال دیگر. ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم بیت زیر را بدین شکل

می‌آورند: یکی پنج بیتم خوش آمد بگوش      که می‌گفت گویینده خوب دوش

بعد اضافه می‌کند... د این بیت بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم

به شکل بالا آمده است در چاپ استاد فروغی چنین آمده است :

یکی پنج بیت خوش آمد بگوش که درمجلسی می سرودند دوش  
اولا ضبط گوینده بدان صورتی که دکتر علی اف نوشته اند غلط است باید چنین نوشته  
شود : گوینده یی یا گوینده ای. ثانیاً وقتی که به بوستان چاپ فروغی مراجعه می کنیم می بینیم  
در ص ۳۲ سطر ۷ در برابر آن بیت با شماره ۲ خواننده را به حاشیه توجه می دهد که نسخه  
بدل است که می گفت گوینده ای خوب دوش (\*)

مثال دیگر . ناشر محترم نوشته اند که تمام نسخه های قدیم بیت زیر را بدین شکل  
می آورند : نصیحتگری کوشی آغاز کرد  
که خود را بکشتی در این آب سرد  
بعد اضافه می کند : این بیت بدون هیچ اشاره ای بدانکه در تمام نسخه های قدیم  
به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است :  
نصیحتگری لومش آغاز کرد . به متن مراجعه کنیم . در ص ۱۲۲ سطر ۱۰ چنین  
است : نصیحتگری کوشی آغاز کرد . با قید شماره ۷ در حاشیه چنین است : ( ۷ ) پ - ل -  
ت - ف - ع - لومش به عبارت دیگر ضبط چاپ فروغی مطابق است با چهار نسخه قدیمی و  
معتبر که در دست ناشر مورد استناد بوده است . . . . .

در حاشیه بوستان فروغی اصلا علامت استفهام (؟) نیست و نمی دانم ناشر محترم چرا  
علامت استفهام را از خود به عبارت مرحوم فروغی افزوده اند. (\*\*\*)

\*\*\*

از ذکر مثال های دیگر در این باره صرف نظر می کنیم . زیرا سخن به درازا خواهد  
کشید . همین قدر خلاصه می کنم که ذکر عبارت پرطمطراق تمام نسخه های قدیمی ابیاتی را  
چنان ضبط کرده اند و فروغی چنین ضبط کرده است نادرست است و به شهادت همین بوستان  
چاپ ناشر محترم با حقیقت وفق نمی دهد . به نمونه های دیگر از بی حرمتی ناشر محترم در  
حق مرحوم فروغی می پردازیم :

در ص ۹۸ سطر ۱۵ از بوستان چاپ دکتر علی اف چنین می خوانیم :

چو شماروی آنکه خوردند از توسیر که از بام پنجه گزافتی بزیر  
در حاشیه با قید شماره ۸ چنین آمده است : ( ۸ ) پا - چو خشم آور . ف - ع - چو  
چشمارو ناشر محترم عقیده دارند که در بوستان فروغی بجای چشمارو آمده است : چشمارو .  
به ص ۹۵ سطر ۱ بوستان فروغی مراجعه می کنیم عیناً چنین آمده است :

چو چشمارو آنکه خوردند از توسیر که از بام پنجه گزافتی بزیر

نمی دانم ایشان چشمارو را از کجا آورده اند چون در بوستان فروغی که نیست . . . (\*\*\*)

نمونه دیگر از ادعای دروغ و تهمت و افترا در حق فروغی : در ص ۱۷۳ سطر ۱۴

\* - اولاً که درمجلسی می سرودند دوش ، بهتر است از : « که می گفت خواننده ای

خوب دوش ، و آنکه وقتی در حاشیه به وجه دیگر هم اشاره شده چه جای اعتراض است . (مجله ینما)

\*\*\* - ای بی انصاف ! ( م . ی )

\*\*\* - دروغی و تهمتی ازین بزرگتر می شود ؟ ( ی )

بوستان چاپ دکتر علی‌اف چنین آمده است :

ز عمروای پسر چشم اجرت مدار  
چو در خانه زید باشی بکار  
در حاشیه با قید شماره ۱۳ چنین آمده است : ( ۱۳ : ۱۳ ) پ - چ - ف - عمر - ناشر  
محترم می‌نویسند که در نسخه فروغی بجای عمرو آمده است عمر - به بینیم صحیح می‌فرمایند.  
۱۶۳ بوستان فروغی را باز می‌کنیم در سطر ۱۷ بیت مذکور عیناً چنین آمده است :

ز عمروای پسر چشم اجرت مدار  
چو در خانه زید باشی بکار

نمونه دیگر . در ص ۲۰۸ سطر ۳ در بوستان چاپ دکتر علی‌اف چنین آمده است :

چه دانی که گریمن روزگار  
بفریت بگرداندش در دیار

و گوید : به عقیده مرحوم فروغی در اینجا باید « نگرداندش » باشد . به اصل  
مطلب مراجعه می‌کنیم . در بوستان چاپ فروغی درس ۱۹۵ سطر ۱۲ این بیت چنین آمده است :

چه دانی که گردیدن روزگار  
بفریت بگرداندش در دیار

عیناً همانند بوستان دکتر علی‌اف - مرحوم فروغی با قید شماره ۴ در حاشیه عیناً چنین  
نوشته است : ( ۴ ) مطابق است با همه نسخه‌ها ولی ظاهراً « نگرداندش » مناسب‌تر است .  
هر کس که مختصر فهم و سواد فارسی داشته باشد پی می‌برد که بین عبارت فروغی و  
آنچه دکتر علی‌اف از زبان آن مرحوم ساخته چه قدر فرق دارد . مرحوم فروغی با قید  
احتیاط و با حجب تمام اظهار نظر کرده و ضمناً تصریح کرده است که در همه نسخه‌ها ضبط  
اصلی چنانست که در متن آمده و حال آنکه دکتر علی‌اف به آن جنبه قاطعیت داده است .  
هر کس که عبارت دکتر علی‌اف را بخواند و به بوستان فروغی دسترسی نداشته باشد خیال  
می‌کند که ضبط « نگرداندش » در متن آمده است . ایشان حتی اشاره‌ای هم نکردند که اظهار  
نظر فروغی در حاشیه آمده است . از آن گذشته لطف سخن فروغی را کسی احساس می‌کند  
که زبان فارسی زبان مادری او باشد .

در این مقوله نمونه‌های دیگری نیز مشاهده شد که از بیم اطناب صرف نظر می‌شود .

\*\*\*

فقط باید گفت تلاشی که به منظور کم‌بها دادن به مساعی جمیل مرحوم فروغی در تصحیح  
آثار سعدی می‌شود هیاوهدر است .

نگارنده در چند مورد که از برخی مواضع متن بوستان دکتر علی‌اف چیزی سر در  
نمی‌آورد به بوستان چاپ مرحوم فروغی مراجعه می‌کردم و بیدرتنگ مشکل حل می‌شد .  
دوسه مورد را به عنوان مثال ذکر می‌کنم . درس ۱۰۹ بوستان علی‌اف این چند شعر آمده است :

تهی دست مردان پر حوصله  
بیابان نوردان بی قافله

ندارند چشم از حقایق پسند  
که ایشان پسندیده حق بسند

عزیزان پوشیده از چشم خلق  
نه زارداران پوشیده خلق \*

اولا بیت سوم فاقد قافیه است . ثانیاً به علت آنکه یکی از ابیات پس و پیش شده رشته  
ارتباط معنی ضعیف شده است . پس از مراجعه به بوستان مرحوم فروغی ضبط صحیح اصلی

(\*) آفرین بر این تصحیح (ی)

بدین ترتیب بدست آمد . ص ۱۰۵ سطر ۱ :

تهیدست مردان پر حوصله  
عزیزان پوشیده از چشم خلق  
ندارند چشم از خلائق پسند  
بیابان نوردان بی قافله  
نه ز نارداران پوشیده دل  
که ایشان پسندیده حق بسند  
نمونه دیگر - در ص ۱۶ سطر ۱۰ بوستان دکتر علی اف چنین آمده است :  
بد اندیش تست آن خونخوار خلق  
که نفع تو جوید در آزار خلق  
در ص ۱۶ سطر ۲ در بوستان فروغی وجه صحیح چنین آمده است :  
بد اندیش تست آن و خونخوار خلق  
که نفع تو جوید در آزار خلق  
در بوستان چاپ دکتر علی اف در ص ۱۳۳ سطر ۱۹ چنین آمده است :  
برین آستان عجز و مسکینیت  
نه از طاعت و خویشتن بینیت  
این بیت بدین ضبط نامفهوم است . ناچار به بوستان چاپ فروغی متوسل شدم و ضبط صحیح بدست آمد .

برین آستان عجز و مسکینیت  
به از طاعت و خویشتن بینیت  
در اینجا سندی اندیشه‌ای را می‌پرورانند که شعرای صوفیه و از جمله خود وی بارها متذکر شده‌اند و آن اینکه عبادت نباید در شخص کبر و غرور ایجاد کند ، سندی می‌گوید که در آستان خدا افتادگی و عجز بهتر از عبادت و کبر و خود بینی است . آیات پیش و پس این نکته را کاملاً تأیید می‌کند . به آیات توجه فرمائید . به ضبط فروغی :

که آنرا جگر خون شد از سوز و درد  
که برین تکیه بر طاعت خویش کرد  
ندانست در بارگاه غنی  
که بیچارگی به ز کبر و منی  
سپس می‌آید :

برین آستان عجز و مسکینیت  
چو خود را ز نیکان شمردی بدی  
اگر مردی از مردی خود مگوی  
نه هر شهسواری بدر برد گوی  
به از طاعت و خویشتن بینیت  
نمی‌گنجد اندر خدائی خودی  
نمونه دیگر ( فروغی ص ۱۲۶ - ۱۲۷ از سطر ۱۵ ) - همچنانکه در بوستان چاپ فروغی دیده می‌شود باید مسکینیت و خویشتن بینیت باشد نه مسکینیت و خویشتن بینیت . زیرا چنانکه دیده می‌شود سندی بر همین قیاس در دو بیت آخر چند جای خطای بکار برده : شمردی ( تو شمردی ) بدی ( توبدی ) اگر مردی ( تو مردی ) و این یا های خطایی به دنبال یای خطایی مسکینیت و خویشتن بینیت ( مسکینی تو ) و ( خویشتن بینی تو ) آمده است ، گذشته از آن ضبط نه از طاعت که در بوستان دکتر علی اف آمده خطاست و باید به از طاعت باشد . ناشر محترم در برابر نه با قید شماره ۱۱ خواننده را به پاورقی توجه می‌دهد . در پاورقی چنین است : ( ۱۱ ) پ - ج - ل - پا - ف - ع - ملاحظه می‌شود که اکثر نسخ معتبر و از جمله دو نسخه اصلی پ و ج همین ضبط به را آورده‌اند .

نمونه دیگر . ص ۶۲ سطر ۴ از بوستان چاپ دکتر علی اف چنین است :



وگر جنگ جوید عنان بر مپیچ  
 نخواهد بحشر از تو داور حساب  
 که با کینه ور مهربانی خطاست  
 توهم جنگ را باش چون کینه خاست

ضبط کینه خاست در متن بوستان چاپ علی اف خطاست در متن بوستان فروغی ضبط صحیح آمده است . بدین ترتیب . کینه خواست ( ف - ص ۶۱ سطر ۱۴ ) زیرا اینجا مسندالیه عدو است و افعال متعلق به آن به ترتیب چنین می آیند اگر صلح خواهد - اگر پای جنگ آورد - وقتیکه عدو کینه خواست توهم جنگ را سازکن . صفت کینه ور که در مصرع آخر آمده دلیل کافی است که کینه خواهی به عدو برمی گردد . ناشر محترم در جایی که باید خواستن ضبط کنند خاستن ضبط کرده اند (مانند شرفوق) و برعکس درجائی که باید خاستن بیاورند خواستن قید فرموده اند . مثلا درس ۱۳۶ سطر ۸ چنین آمده است : غریو از بزرگان مجلس بخواست در اینجا خواست غلط و خاست صحیح است . (فروغی ص ۱۳۰ - غریو از بزرگان مجلس بخاست ) .

\*\*\*

دانشمندان ایرانی که با زبان چرب اغراق آمیز در حق چنین بوستانی آلوده به خس و خاشه در مقدمه سخنها گفته و مزاج گوئی ها کرده اند پس از این همه خطاها معلوم شد دلباخته لعبت نادیده شده و ذرع ناکرده پاره کرده اند و اندرز سعدی را در بوستان از یاد برده اند که فرمود :

نبايد سخن گفت ناساخته  
 نشاید بریدن نینداخته

مجله یغما تأسف داریم که صفحات مجله یغما گنجایش نداشت که همه انتقادات و اعتراضات آقای اکبر طرفه که با دقت و مطالعه دقیق یاد شده - نقل شود . در ضمن چاپ این مقاله نگاهی اجمالی به بوستان مصحح آقای علی اف افکنند . این کتاب بیش از آن که آقای طرفه اشاره فرموده اند اغلاط و اشتباهات آشکارا دارد بدین نمونه :

- |                                     |                                   |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ص ۸۷ ز دیوار آوازش آمد بگوش غلط است | ز دیوار محرابش آمد بگوش درست است  |
| ۸۷ چه باشی چو روباه اندوه پیر       | چو رو به چه باشی به و اما نده سیر |
| ۸۹ ز انصاف حاتم به هر بر و بوم      | ز او صاف حاتم به هر مرز و بوم     |
| ۸۹ ز تسبیح و تهلیل و باز از رکوع    | ز تسبیح و تهلیل و ما را ز جوع     |
| ۹۰ چو چنگ اندران بوم خلقی نواخت     | چو چنگ اندران بزم خلقی نواخت      |
| ۹۴ سخن های منکر به گوش گذشت         | در آن حال منکر بر او بر گذشت      |
| ۱۰۱ جهان سوز را گشته بهتر خراب      | جهان سوز را کشته بهتر چراغ        |
| یکی به در آتش که خلقی در آب         | یکی به در آتش که خلقی به داغ      |
| ۱۰۵ گرت لب بخواد بلب بر نهی         | گرت جان بخواد به لب بر نهی        |

- ۱۰۶ نظر داشت با پادشاه زاده‌ای غلط است  
 ۱۰۷ مکس وارث از پیش میدان بجور  
 ۱۱۳ به خواری برو یا به خوی بایست  
 ۱۱۹ ولیکن به ملکی دگر روی نیست  
 ۱۱۹ ولی اهل معنی کجا این برند  
 ۱۲۶ که عشق آتش است ای پسر پند یاد

باری ، هیچ صفحه‌ای ازین کتاب بی غلطی واضح نیست ، اگر مجال داشته باشید و این نسخه را حتی با نسخه‌های چاپی خودمان بسنجید و موضوع گفتار و ابیات پیش و پس را بخوانید در خواهید یافت که آقای علی اف با سدی چه کرده است .

و من نمی‌فهمم که چرا با فروغی عنادی عجیب دارد ، آخر بوستان تنها به تصحیح فروغی نیست دیگران هم بدین خدمت دست یازیده‌اند . وقتی استادان ما ازین آقا تجلیل و تحسین کنند از کی باید توقع مطالعه و تحقیق داشت ؟  
 گله ما را گله از گرگی نیست  
 کاین همه بیداد شبان می‌کند .

## زرنگ

شهری بوده در سیستان - بنا کرده گرشاسب - و آن را زره نیز گویند و بحیره سیستان را بنام شهر زره خوانده‌اند [ یعنی در تاجه هامون را ] . معرب آن زرنج است و بجای آن زاهدان کنونی است و خرابه‌های زرنج هنوز در آنجا دیده می‌شود . حاکم بصره سرداری بنام عبدالرحمن سمره را مأمور حمله به سیستان کرد و او زرنج را در حصار گرفت و تسخیر کرد . در زمان فرهاد دوم اشکانی ۱۲۸ سال قبل از میلاد گروهی از سکه‌ها در زرنج مستقر شدند و ازان زمان زرنج بنام آنان سگستان خوانده شد .  
 در گرشاسب نامه اسدی \* فصلی در ساختن شهر زرنج منظوم است .

چو آن شهر پردخت و یاره بساخت	برو پنج در آهنین بر نشاخت
چو باد آمدی ریگ بر داشتی	همه شهر و برزن بینباشتی
چنان چون برهنم ورا داد پند	که از چوب و از خار و رغی بیند
یله کرد ازان سو که بد آب مرغ	بیست از سوی دامن ریگ ورغ
ز یک سوش بد ریگ ده جافره	دگر سوش دریا که خوانی زره ...
به فر سپهدار فرخنده فال	شد آن شهر پردخته در هفت سال ...

\* به تصحیح حبیب یغمائی ص ۲۹۷ ورغ : سگ